



میراث مشترک

باشگاه برنده آبی

میان ایران و افغانستان در آن سنواتی که بنده جوان بودم آمد و شد ادبی به صورت شایسته و مرغوبی بود، مانند سفر مرحوم فروزانفر. بنده افتخار داشتم در خدمت ایشان در آن سفر بودم.

بعدها رهی معیری، دکتر لطفعلی صورنگر، سعید نفیسی، محیط طباطبایی، پرویز ناتل خانلری و بسیاری از ادبای دیگر بارها به افغانستان رفتند و با فضلالی افغان همزبانی و همسخنی داشتند. همین نشست و خاستها و گپ زدن‌ها نمونه دیگری از میراث مشترک ماست؛ یعنی به یاد آوردن این که از آن خطه هم محمد سرور گویای اعتمادی (معروف به بلبل افغانستان)، خلیل الله خلیلی، عبدالحی حبیبی و جمعی دیگر از بزرگان شعرای شصت هفتاد سال اخیر افغانستان به ایران می‌آمدند. قصاید محکم خلیلی، همتراز و همنورد با قصاید ملک الشعرا بود. طبعاً اگر در ایران کتاب شعر تألیف بشود از این هردو نام می‌رود و شعرشان نقل می‌شود. در افغانستان هم کتاب‌هایی که نوشته بشود باید از این هردو نام برده شود.

ادبا و شعرا می‌آیند و می‌روند. مرگ‌هایی پیش می‌آید که ما دو کشور را باید یکسان متأثر کند. مدتی پیش جناب آقای دکتر منوچهر مرتضوی، مورخ و ادیب و محقق و شاعر، در تبریز فوت کرد. او یکی از بزرگان ادب ما بود و تمام قلمرو زبان فارسی باید از درگذشت او افسوس بخورد. تبریز، شیراز و کابل، غزنین از نظر ادبی یکی است. اگر بنده متأثر می‌شوم حتم دارم آن‌ها که در افغانستان با آثار دکتر مرتضوی و با زبان فارسی و تاریخ مشترک آشنا باشند حتماً تأثر پیدا خواهند کرد.

یکی از انواع میراث مکتوب، مکاتبات میان اهل ادب دو کشور است. طبعاً اگر نامه‌ای از خاقانی یا غزالی به ادبا و شعرای زمان خودشان به دست آید، برای ما عمیق گرمای خواهد بود. پس اگر نامه‌ای از خلیل الله خلیلی به یکی از ادبای شیراز نوشته شده باشد برای آشکار شدن مناسبات عمیق فرهنگی، گویایی خواهد داشت؛ زیرا معمولاً از همزبانی و همدلی سخن گفته شده است، پس اقتضا دارد با هم مکاتبه و مراوده داشته باشیم و تبادل اطلاعات کنیم (به اصطلاح امروز).

میراث مکتوب یکی از نمادهای مهم تاریخ مشترک ماست و طبعاً دو کشور باید در نگاهداشت و نشر بازمانده آن همیاری و همکاری داشته باشند. رشته‌های میراثی گذشته نباید از بین برود. ما مردم دو کشور، پاسدار و نگهدار یک سرمایه بسیار ارزشمند و معتبر مشترک هستیم و آن زبان فارسی است.»

صفحه «روزها» با یادآوری این که ۱۹ اردیبهشت‌ماه در تقویم ایرانی، روز اسناد ملی و میراث مکتوب است، نوشته: «اسناد تاریخی علاوه بر ارزش معنوی می‌توانند حلقه‌های گمشده طرح‌های پژوهشی را کامل کنند و حفاظت و نگهداری از آنان امری ضروری است.»

کاربر «دانرو» به همین مناسبت نوشته: «بازدید از آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی را پیشنهاد می‌کنیم که شامل مهم‌ترین اسناد و دست‌خطها و عکس‌ها از ایران معاصر است، از اعلام بی‌طرفی در جنگ تا نامه تغییر نام کشور از پرشیا به ایران در مجامع بین‌المللی.»

«رسول جعفریان» اعتقاد دارد: «با این که قرن‌هاست بشر از کتاب خطی عبور کرده، اما میراث مکتوب خطی باقی‌مانده، همچنان نیازمند فضای کتابخانه‌ای است. همین طور برای کتاب‌های چاپی که هنوز هم قدرتمند است و سرویس‌دهی آن‌ها تا قرن‌ها نیازمند فضای فیزیکی هستیم. کتابخانه‌های مدرن، ده‌ها کاربری دیگر دارند.»

پیش از آن که زادروز شیخ کلینی به عنوان روز اسناد ملی و میراث مکتوب، نام‌گذاری شود، یکی دیگر از گزینه‌های معرفی شده برای انتخاب چنین روزی، زادروز استاد ایرج افشار، ایران‌شناس و پدر کتاب‌شناسی نوین بود.

صفحه «موقوفات دکتر محمود افشار»، نوشته‌ای از استاد ایرج افشار را با عنوان «میراث مکتوب ایران و افغانستان» به اشتراک گذاشته که بی‌ارتباط با مفهوم میراث مکتوب نیست: «افغانستان برای من خانه دیگری است. این خانه آن خانه است. این آشنایی ژرف از راه میراث مکتوب (اگرچه معمولاً معنای کهنگی و متون قدیم دارد) به وسیله مجلات افغانستان که خود نوعی میراث مکتوب است، برابم پیش آمده است. نباید فراموش کنم که همیشه بی‌تاب بودم که سر ماه شود و مجله آریانا برسد؛ زیرا حال و هوایی دیگر داشت از آنچه در مجلات مملکت خود می‌دیدم. جز آن مجله دیگری به نام عرفان که نمی‌دانم منتشر می‌شود یا خیر. این گونه مجلات که در افغانستان به وجود آمد برای آگاهی ما از قلمرو زبان فارسی، ارزشمندی خاص داشت. همه این‌ها برای ما دلپذیر بودند؛ چراکه گویای همدلی و همزبانی بود. همواره شفیفته و فریفته بودم مطبوعات افغانستان برسد و بخوانم. مجله کابل را هم در نوجوانی می‌دیدم؛ زیرا برای پدرم می‌آمد و همیشه عکس‌های خوبی داشت. از مناظر افغانستان در آن چاپ می‌شد. پدرم هم در آن مقاله نوشته بود.

میدان مشق



ارمغان زمان فشمی

دفاع از گذشته، حال و آینده

قدیم‌ترها که هنوز «سجل» رواج نداشت، زمان تولد نوزادان را در صفحه اول قرآن می‌نوشتند، چرا که ثبت و ضبط چنین واقعه‌ای، جالب و البته لازم به نظر می‌رسید. انسان‌ها خیلی پیش‌تر از آن هم از زمانی که خط و رسم را اختراع کردند، سعی داشتند دانسته‌ها و مشاهداتشان را مکتوب کنند، چه به شکل نقاشی روی دیوار غار و چه به شکل کتیبه‌ها و بعدها به شکل خطوط روی پوست جانوران و در نهایت کاغذ. دیدن نسخه‌های خطی کتاب‌ها، آلبوم‌های خانوادگی و نشریات قدیمی، نامه‌هایی که سال‌ها پیش میان اقوام ردوبدل شده، کارت پایان خدمت پدر بزرگ، قبالة ازدواج خاله‌خانم، گواهی تولد بزرگ‌ترین نوه فامیل و خلاصه هر سند و مدرک و نوشته منظوم و مثنوی که به گذشته مربوط باشد برای اغلب ما تجربه‌ای شیرین و خوشایند است.

وقتی دانستن پیشینه و شجره‌نامه خانوادگی و عکس‌های قدیمی فامیل این همه اهمیت دارد، تصور کنید دانستن پیشینه تاریخی کشور و اسناد مراودات تجاری و سیاسی دولتی و نخستین تصاویر بناهای تاریخی و کوچه و بازار در روزگار گذشته از چه اهمیتی برخوردار است.

برخی از این اسناد، ارزشی فراتر از بعد تاریخی دارند و می‌توانند به عنوان مدارکی معتبر برای اثبات ادعاهای کشورهای مختلف، مورد استفاده قرار بگیرند، مثلاً آنچه مورخان و جغرافیدانان در گذشته از سرزمین ما ایران ثبت کرده‌اند می‌تواند اثباتی بر این باشد که خلیج فارس در همه ادوار با همین عنوان نامیده شده است. همچنین نقشه‌های رسمی ثبت‌شده از کشورها در دوران مختلف، می‌تواند به هنگام مناقشات مرزی احتمالی با همسایگان راهگشا باشد.

این‌جاست که اهمیت در نظر گرفتن روزی با عنوان «روز اسناد ملی و میراث مکتوب» در تقویم رسمی کشور مشخص می‌شود. باید در گردآوری و نگهداری هر آنچه که به عنوان اسناد ملی و میراث مکتوب موجود است، دقت و حساسیت به خرج بدهیم تا بتوانیم از گذشته، حال و آینده خود دفاع کنیم.